عقود المرجان لحواشی القرآن

مرتضی نادری*

اشاره:

در این نوشتار، تفسیر ***عقود المرجان لحواشي القرآن****، اثر سیّد نعمت‌الله جزایری (م ۱۱۱۲ ق)، معرّفی می‌شود. این کتاب بر اساس نسخهٔ خطّی منحصر به فردی، به دست محقّقان مؤسّسهٔ «شمس الضحی» تصحیح شده؛ لیکن تا کنون به چاپ نرسیده است. نگارنده در این مقاله، می‌کوشد تا ضمن به دست دادن شرح حال کوتاهی از مؤلّف تفسیر، اثر یاد شده را معرّفی کند و روش کار وی را در این اثر بشناساند.*

۱. مقدّمه

دانشمندان مسلمان از دیرباز، بنابر انگیزه‌های گوناگون، شرح و تبیین آیات قرآن کریم را وجههٔ همّت خود قرار داده و برای به دست دادن تفسیری که ناگفته‌های مفسّران پیشین را بازگوید و اقوال مورد نیاز تفسیرجویان را یکجا به آنان عرضه کند، دامن همّت به کمر زده و به قدر وسع و طاقت خود کوشیده‌اند. بی‌گمان، شناسایی این آثار و معرّفی آنها به محقّقان و پژوهندگان و علاقه‌مندان، برای نسلهای بعدی ـ

* دانشجوی کارشناسی ارشد رشتهٔ علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علّامه طباطبایی.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.9.5]

که میراث‌بر آثار علمی پیشینیان به شمار می‌روند ـ امری است ضروری.

مرحوم سیّد نعمت‌الله جزایری یکی از این دانشمندان است. بازخوانی شرح حال مرحوم جزایری نشان می‌دهد که ایشان عمر خود را در راه تعلیم و تعلّم، سپری کرده و فراگیری علوم مختلف اسلامی را به عنوان یکی از اهداف زندگی خویش برگزیده است. در این میان، وی به قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم‌السلام توجّه ویژه داشته و آثار چندی را در شرح و تفسیر کتابهایی روایی شیعه نگاشته است. *عقود المرجان لحواشي القرآن* کتابی است که او در تفسیر قرآن کریم، از خود به یادگار نهاده است. همان طور که پیشتر گذشت، این کتاب بر اساس نسخهٔ خطّی منحصر به فردی، به دست محقّقان مؤسّسهٔ «شمس الضحی» تصحیح شده؛ لیکن تاکنون به چاپ نرسیده است.

۲. معرّفی اجمالی کتاب

عقود المرجان لحواشي القرآن، اثر سیّد نعمت‌الله جزایری، تفسیری است بر قرآن کریم به زبان عربی. مؤلّف در این کتاب، تفسیر و تأویل قرآن را از سخنان اهل بیت علیهم‌السلام و اقوال مفسّران گرد آورده و در کنار اینها به اختلاف قرائات و نکات ادبی و مواردی دیگر، اشاراتی کرده است. وی در مقدّمهٔ تفسیرش می‌نویسد:

پس از آنکه خدای سبحانه توفیق تألیف شروح کتابهای *تهذیب* و *استبصار* و *توحید صدوق* و نگارش کتاب *انوار نعمانیّه* را ارزانی‌ام فرمود، عنایت الاهی مرا بر آن داشت تا بر اساس سخنان اهل الذکر علیهم‌السلام و اقوال دانشمندان مفسّر، از تفسیر و تأویل قرآن، پرده بردارم و افزون بر اینها، از مسائل مهمّ مربوط به قرائات، نکات ادبی و تراکیب نحوی، یاد کنم و همهٔ اینها را در حاشیهٔ قرآن، بنگارم تا دسترسی بدانها برای خواننده، سهل و آسان باشد. (۳: ج ۱، ص ۲۹ ـ ۳۰)

مرحوم جزایری در مقدّمهٔ کوتاه خود بر این اثر، خاطر نشان می‌کند:

بدان که ما در حواشی این قرآن، بخشهایی از کلام مفسّران را آورده‌ایم. شاید تو

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.9.5]

گمان بری که این با آنچه اصحاب ما ـ رضوان الله علیهم ـ روایت کرده‌اند که «هر کس قرآن را با رأی خود تفسیر کند و به حقّ برسد، باز هم خطا کرده است» (۷: ج ۱، ص ۸۰) *منافات دارد. در این باره، حتّی، اصحاب اخباری ما بر آن شده‌اند که قرآن، همه، متشابه است و تفسیر آن جز با حدیث، جایز نیست. من در پاسخ چنین گمانی می‌گویم: سخن حق در این مقام، همان است که شیخ طوسی ـ طاب ثراه ـ فرموده مبنی بر اینکه ناسازگاری نه در کلام خدای متعال رواست و نه در سخنان اهل بیت علیهم‌السلام؛ چراکه او دربارهٔ کتاب خود فرموده است: «**بلسان عربيّ**»* (الشعراء (۲۶) / ۱۹۵) *و کسانی را که در قرآن، تدبّر نمی‌کنند، نکوهش کرده است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز فرموده است: «**إذا جاءكم عنّي حديث، فاعرضوه على كتاب الله**: هرگاه حدیثی از نزد من، به سویتان آمد، بر قرآن عرضه‌اش کنید.» پس چگونه می‌شود که چیزی از قرآن، فهمیده نشود؟*

مرحوم شیخ طوسی، سپس، آیات قرآن کریم را به چهار بخش، تقسیم می‌کند: ۱. قسمی که علم آن تنها نزد خدای متعال است؛ مانند: «إنّ الله عنده علم الساعة». (لقمان (۳۱) / ۳۴) ۲. قسمی که همهٔ آشنایان با زبان عربی، آن را در می‌یابند؛ مانند: «قل هو الله أحد». ۳. قسمی که مجمل است و ظاهر آیه از معنای آن، خبر نمی‌دهد؛ مانند: «و أقيموا الصلاة». تفصیل این گونه آیات را جز از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نمی‌توان آموخت. ۴. قسمی که لفظ بین دو معنی و بیشتر، مشترک است که در این گونه آیات، تعیین مراد خداوند به طور قطعی، جز به‌وسیلهٔ نصّ، روا نیست. بنابراین، نهی از تفسیر قرآن با رأی، تنها متوجّه قسم نخست، و قسم سوم و چهارم در صورت ارادهٔ تفصیل، خواهد بود. (۹: ج ۱، ص ۵ ـ ۶؛ ۳: ج ۱، ص ۲۹ ـ ۳۰)

باری، *عقودالمرجان* در ۵ مجلّد و به دست محقّقان مؤسّسهٔ فرهنگی «شمس الضحی» تصحیح و مدرک‌یابی شده است. محقّقان این مؤسّسه دربارهٔ روش تصحیح خود می‌نویسند:

در تصحیح این اثر نفیس، به نسخهٔ منحصر به‌فرد علّامه سید محمّدتقی بن احمد موسوی حکیم [از نوادگان مؤلّف]، اعتماد و مصادری را که مرحوم

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.9.5]

مؤلّف از آنها نقل کرده، کاملاً مشخّص و تصحیفات و دگرگونیها و افتادگیها را تصحیح و موارد ناخوانا در نسخه را با «...» معلوم کرده و عباراتی که افزودن آنها را لازم دیده‌ایم، میان دو قلّاب آورده‌ایم. (همان: ۲۷ ـ ۲۸)

تصحیح و تحقیق این اثر در محرّم الحرام ۱۴۲۵ ق به پایان رسیده است. (همان: ۲۸)

۳. شرح حال مؤلّف

مرحوم جزایری خود در پایان کتاب *الأنوار النعمانیّة* بخشهایی از زندگی‌نامه‌اش را آورده‌است. وی این شرح حال را در زمان به انتها رسیدن نگارش کتاب یاد شده، یعنی ۳۹ سالگی، نگاشته‌است.

بنابر مندرجات این زندگی‌نامهٔ خود نوشت، سیّد نعمت‌الله‌بن عبدالله حسینی جزایری در سال ۱۰۵۰ هجری، در قریهٔ صبّاغیّه از سرزمین جزائر در نزدیکی بصره، زاده شده است. وی در ۵ سالگی روانهٔ مکتب می‌شود و در مدّت شش ماه، خواندن و نوشتن را فرا می‌گیرد و قرآن کریم را از آغاز تا انجام، قرائت می‌کند و اشعار و قصاید بسیاری را می‌خواند و می‌آموزد. او سپس به یادگیری علوم ادبی، می‌پردازد و کتابهایی مانند *الأمثلة*، *التصریف*، *الشافیة*، *الکافیة*، *الفیّة* ابن‌مالک و شرح *جامی* را نزد استادان، درس می‌گیرد. نعمت‌الله برای طلب علم و بهره‌گیری از استادان، از روستای محلّ زندگی‌اش به شهرهایی همچون هویزه و شیراز، سفر می‌کند و بیشتر عمر دانش‌آموزی‌اش را در مدرسهٔ منصوریّهٔ شهر شیراز می‌گذراند. وی دربارهٔ استادان و دروسی که در این مدرسه فراگرفته‌است، می‌نویسد:

فقرأت علوم العربیّة عند رجل فاضل من أهل البغداد، و الأصول عند رجل محقّق من أهل الأحساء، و المنطق و الحکمة عند المحقّقین المدقّقین شاه أبي‌الولیّ و میرزا إبراهیم، و علم القراءة عند رجل فاضل من أهل البحرین. و کنّا جماعة نقرأ عند الشیخ الجلیل الشیخ جعفر البحرانيّ. و کنت أنا أسمع ذلك الدرس بقراءة غیري. فإذا أتینا إلی ذلك الشیخ، فکلّ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.9.5]

من يجلس قبل يقول له: اقرأ، حتّى يجلس القارئ. و كان يشجّعنا على الدرس و على فهم معناه من المطالعة و يقول لنا: إنّ الأستاد إنّما هو للتيمّن و التبرّك، و إلّا ففهم الدرس و تحقيق معناه إنّما هو من مطالعة التلميذ.

وی در همین اوقات، تألیف کتاب *مفتاح اللّبیب علی شرح التهذیب* را در علم نحو، آغاز می‌کند (متن این شرح از شیخ بهایی است) و شرحی بر *الکافیهٔ* ابن‌حاجب می‌نگارد. مرحوم جزایری پس از مدّتی، روانهٔ اصفهان می‌شود و محضر مرحوم علّامه محمدّباقر مجلسی را درک می‌کند و نزد وی حدیث می‌آموزد. سیّد نعمت‌الله هشت سال در اصفهان می‌ماند و روزگارش را به تدریس و تدرّس می‌گذراند. او به عتبات عالیات نیز سفر می‌کند و نگارش شرح خود را بر *صحیفهٔ سجّادیّه* در عتبات به پایان می‌رساند. (نک: ۲: ج ۴، ص ۳۰۲ ـ ۳۲۶)

سیّد نعمت‌الله در ۲۳ شوّال سال ۱۱۱۲ قمری، دیده از جهان فرو می‌بندد. (۱۰: ج ۲، ص ۳۳۱ ـ ۳۳۲) مدفن او در پل دختر کرمانشاه است. (۳: ج ۱، ۲۴)

۴. آثار مرحوم جزایری

فهرست برخی از آثار مرحوم جزایری به نقل محقّقان و مصحّحان کتاب *عقودالمرجان* چنین است:

۱. الإجازات (اجازاتی که برای شاگردان و معاصران خود نوشته است).
۲. الأنوار النعمانيّة في بيان معرفة النشأة الإنسانيّة.
۳. أنيس الفريد ـ أو أنيس الوحيد ـ في شرح التوحيد. (نام دیگر این کتاب نورالبراهین است.)
۴. الأيّام النحسة و السعيدة.
۵. تحفة الأسرار في الجمع بين الأخبار.
۶. الجواهر الغوالي في شرح عوالي اللآلي.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.9.5]

۷. حاشية الاستبصار.
۸. حاشية أمل الآمل.
۹. حاشية توحيد الصدوق.
۱۰. حاشية زبدة البيان.
۱۱. حاشية شرح ابن أبي‌الحديد على نهج‌البلاغة.
۱۲. حاشية شرح الجاميّ.
۱۳. حاشية شرح اللّباب.
۱۴. حاشية الصحيفة الكاملة.
۱۵. حاشية مغني اللّبيب عن كتب الأعاريب.
۱۶. حاشية نقد الرجال.
۱۷. الحواشي الضافية و الموازين الوافية، حواش على نهج‌البلاغة.
۱۸. حلّ مشكلات العلوم.
۱۹. رياض الأبرار في مناقب الأئمّة الأطهار.
۲۰. زهر الربيع.
۲۱. شرح الصحيفة الكاملة.
۲۲. شرح عقائد الصدوق.
۲۳. شرح عينيّة ابن سينا.
۲۴. شرح الفوائد الضيائيّة.
۲۵. شرح ملحقات الصحيفة.
۲۶. شرح منهاج الصواب.
۲۷. شرح نهج الصواب إلى علم الإعراب في النحو.
۲۸. طريق السالك في توضيح المسالك في النحو.
۲۹. عقود المرجان في تفسير القرآن.
۳۰. الغاية القصوى في النحو.
۳۱. غاية المرام في شرح تهذيب الأحكام.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.9.5]

۳۲. الفوائد في النحو.
۳۳. الفوائد النعمانيّة في الحديث.
۳۴. الفوائد النعميّة في النحو.
۳۵. قاطع اللّجاج في شرح الاحتجاج للطبرسيّ.
۳۶. كشف الأسرار في شرح الاستبصار.
۳۷. لوامع الأنوار في شرح عيون الأخبار.
۳۸. مسكّن الشجون في وجوب الفرار من الطاعون.
۳۹. مشكلات المسائل في النحو.
۴۰. مفتاح اللّبيب في شرح التهذيب في النحو.
۴۱. مقامات النجاة في شرح الأسماء الحسنى.
۴۲. مقصود الأنام في شرح تهذيب الأحكام.
۴۳. مناهج المطالب في النحو.
۴۴. منبع الحياة في اعتبار قول المجتهدين من الأموات.
۴۵. منتهى المطلب في النحو.
۴۶. منهاج الصواب إلى علم الإعراب في النحو.
۴۷. منهاج المبتدي في النحو.
۴۸. نزهة الإخوان و تحفة الخلّان.
۴۹. نوادر الأخبار.
۵۰. نهج الصواب في علم الإعراب.
۵۱. نهج اليقين في النحو.
۵۲. نور الأنوار في شرح كلام خير الأخيار.
۵۳. النور المبين في قصص الأنبياء و المرسلين.
۵۴. هديّة المؤمنين في الفقه.

در ضمن، کتاب «نابغهٔ فقه و حدیث» نوشتهٔ نوادهٔ دانشمند و کتابشناس سید نعمت‌الله جزایری، مرحوم سیّد محمّد جزایری، به شرح حال مبسوط و معرّفی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.9.5]

مفصّل آثاراو اختصاص یافته است. (چاپ اصفهان، حسینیّهٔ عمادزاده، ۱۳۵۳ ش)

۳. روش مؤلّف

در شرح روش مرحوم جزایری در تفسیر *عقودالمرجان*، نخست بدانچه مصحّحان این اثر به اجمال، یاد کرده‌اند، توجّه می‌کنیم و سپس مواردی را که از مطالعهٔ این کتاب به دست می‌آید، همراه با شواهد مربوطه می‌آوریم.

۱. از قرائن پر شمار، آشکار می‌شود که بیشتر آنچه در این کتاب گرد آمده، به دست مؤلّف آن بوده است. مطالبی نیز یافت می‌شود که گردآورندگان آنها کسانی جز مؤلّف‌اند که ممکمن است به دستور مؤلّف یا پس از درگذشت او، بدین کار دست یازیده باشند. نام این کسان چنین است: حسن الموسویّ، عصام، سعدالدین، محمّدعلی و... .

۲. مطالب و روایاتی که در این اثر آمده،گاه، تلخیص وگاه، عباراتی بر آنها افزوده وگاه مضمون آنها نگاشته شده وگاه، مطالب پراکنده در عبارتی واحد، آمده است. از همین روست که مطالب بسیاری از این تفسیر و روایات منقول در آن، با مصادر آنها مطابق و سازگار نیست.

۳. تلخیصات و زیادات در مواردی، ابهام و غلط و افتادگی در مطالب پدید آورده‌اند که ما عند اللّزوم، آنها را تصحیح کرده‌ایم.

۴. مرحوم مؤلّف در نقل روایات، فراوان از تفسیر *نورالثقلین* اثر عبدعلی حویزی بهره برده و در تفسیر آیات‌الاحکام، از کتاب *مسالك الأفهام إلى آيات الأحكام* اثر فاضل جواد استفاده و در برخی موارد، جملات این کتاب را عیناً نقل کرده است. (۳: ج ۱، ص ۲۷)

باری، مؤلّف *عقودالمرجان* در تفسیر خود در همهٔ سوره‌ها، نخست دربارهٔ فضیلت آن سوره و خواصّ و ثواب تلاوت آن، احادیثی را از معصومان علیهم‌السلام نقل می‌کند و سپس به بررسی تک‌تک آیات آن سوره می‌پردازد وگاه، آیات هم‌موضوع

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.9.5]

را به شکل پشت سرِهم تفسیر می‌کند. وی تا جای ممکن، در تبیین آیات، از روایات بهره می‌برد و در موارد لزوم، به نکات لغوی و صرفی و نحوی می‌پردازد. مرحوم جزایری در بیان نکات ادبی، از تفاسیری چون *مجمع‌البیان* شیخ طبرسی، *الکشّاف* زمخشری، *أنوارالتنزیل* بیضاوی و *غرائب‌القرآن و رغائب‌الفرقان* نیشابوری استفاده می‌کند. او همچنین از یادکرد اختلاف قرائات، شأن‌نزولها و قضایای تاریخی پیرامون آیات، غفلت نمی‌کند و در بررسی آیات‌الاحکام، دیدگاههای فقهی شیعه و اهل سنّت را یادآور می‌شود. ایشان همچنین فوائد و فرائدی را که زاییدهٔ ذهن و اندیشهٔ خود اوست، به خوانندگان تقدیم می‌کند.

برای نمونه، مرحوم جزایری در تفسیر آیهٔ «مالك یوم‌الدین» می‌نویسد:

> **قرأ عاصم و الکسائيّ و خلف و یعقوب: «مالك» بالألف، و الباقون: «ملك» بغیر ألف.** (۱: ج ۱، ص ۸؛ ۸: ج ۱، ص ۹۷) **و ذکر المفسّرون في ترجیح کلّ من القراءتین وجوهاً کثیرة. و الظاهر أنّ ملکه سبحانه و مالکیّته متلازمان. و الوارد في الأخبار لفظ المالك و به ترجّح قراءة الألف.** (۳: ج ۱، ص ۳۳)

می‌نگرید که وی پس از یادکرد اختلاف قرائت در آیهٔ مذکور، وجه مرجّح را بر اساس لغت و احادیث، ذکر کرده است. اینک موردی مشابه در تفسیر آیهٔ «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»:

> **«الصراط». بإشمام الصاد هاهنا و في جمیع القرآن حمزة. و عن یعقوب بالسین کلّ القرآن. و عن الکسائيّ بإشمام السین کلّ القرآن.** (۱۳: ج ۱، ص ۴۸) **و الباقون بالصاد. و الأصل في الصراط هو السین، مشتقّ من السرط ـ و هو البلع ـ لأنّ الطریق یسرط المارّة؛ أی: یبلعها. و الموجود في الأخبار هو الصاد، فیترجّح به قراءتها.** (۳: ج ۱، ص ۳۴)

نویسندهٔ *عقودالمرجان* حتّی در تعیین وجه کاربرد «ذلك» در آیهٔ «ذلك الکتاب لا

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.9.5]

ریب فیه» (البقرة (۲) / ۲) به‌درستی، از احادیث استفاده کرده‌است. بنگرید:

في كتاب معاني الأخبار عن العسكريّ عليه السلام أنّه قال: كذّبت قريش و اليهود بالقرآن و قالوا: سحر مبين تقوّله. فقال الله تعالى: «الم ذلك الكتاب»؛ أي: هو الذي أخبرت به موسى فمن بعده من الأنبياء فأخبروا بني إسرائيل أنّي سأنزله عليك ـ يا محمّد ـ كتاباً عزيزاً لا يأتيه الباطل من بين يديه و لا من خلفه. «لا ريب فيه»: لا شكّ فيه لظهوره عندهم، كما أخبرهم أنبياؤهم أنّ محمّداً صلى الله عليه و آله يأتي بكتاب بالحروف المقطّعة افتتاح بعض سوره تحفظه أمّته فيقرؤونه على جميع الأحوال و يقرنون بمحمّد صلى الله عليه و آله وصيّه عليّ بن أبي طالب عليه السلام. (۶: ص ۲۴)

أقول: فعلى هذا يكون الإشارة إلى البعيد ظاهرة. (۳: ج ۱، ۳۷)

سیّد جزایری از یادکرد لطائف و ظرائف موجود در آیات نیز غفلت نکرده است. برای نمونه، وی دربارهٔ اینکه چرا در آیهٔ وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا. (البقرة (۲) / ۲۳) واژهٔ «عبد» به کار رفته‌است، می‌نویسد:

و روى الشيخ رحمه الله في المصباح قال: قال الصادق عليه السلام: حروف العبد ثلاثة: العين و الباء و الدال. فالعين علمه بالله تعالى. و الباء بونه عمّا سواه. و الدال دنوّه من الله بلا كيف و لا حجاب. (۱۲: ص ۵۴۱. و ما ورد في المتن: «و روى الشيخ ...» خطأ.) **أقول: ذكر المحقّقون أنّ صفة العبوديّة فوق صفة الرسالة و النبوّة. و ذلك أنّها حالة رابطة بينه و بين مولاه لا تعلّق لها بالخلق، بخلاف الرسالة؛ فإنّ لها نسبة إلى المرسل إليهم. و من ثَمّ قال في مقام الثناء عليه: «سبحان الذي أسرى بعبده».** (۳: ج ۱، ص ۴۹ ـ ۵۰)

مفسّر جزایری گاه ذیل یک آیه، به داوری میان اخباریان و مجتهدان نیز پرداخته است. مثلاً وی ذیل آیهٔ ۲۹ سورهٔ بقره می‌نویسد:

عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: «الذي خلق لكم ما في الأرض جميعاً» لتعتبروا

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.9.5]

و لتتوصّلوا به إلى رضوانه و تتوقّوا به عذاب نيرانه. فخلق لكم كلّ ما في الأرض لمصالحكم. (۵: ج ۲، ص ۱۲ ، ح ۲۹) **كذا في عيون الأخبار. و المفسّرون أضافوا إلى هذا المعنى الانتفاع الدنيويّ للأبدان. و استدلّوا بها على أنّ الأصل في الأشياء الإباحة حتّى يظهر الدليل المخرج له. و أمّا المحدّثون من علمائنا، حيث ذهبوا إلى أنّ ما ورد في الأخبار من أنّ لله تعالى في كلّ شيء من الأشياء حكماً خاصّاً فإن بلغ إلينا و إلّا فالتوقّف واجب، خصّوا هذه الآية بالمعنى الأوّل المذكور في الخبر.**

أقول: آخر الخبر فيه دلالة على قول المجتهدين أيضاً. فلعلّه الأقوى و الأظهر. (۳: ج ۱، ص ۵۶ ـ ۵۷)

مرحوم سیّد نعمت‌الله گاه پس از نقل اقوال مفسّران ذیل آیه، به نقد و بررسی آنها می‌پردازد. برای نمونه، وی پس از نقل سخن شیخ طبرسی ذیل آیهٔ ۵۷ سورهٔ آل‌عمران می‌نویسد:

«وَ أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَ اللهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ». «فيوفّيهم». قرأ حفص بالياء، و الباقون بالنون. أي: يتمّم جزاء أعمالهم. و فيه حجّة على من قال بالإحباط. لأنّه عزّوجلّ وعد بتوفية الأجر و هو الثواب، و التوفية منافية للإحباط. (۸: ج ۲، ص ۷۶۰ ـ ۷۶۱) **أقول: الأخبار الواردة بالإحباط مستفيضة على ما لايخفى على الممارس. نعم؛ هي بمعنى الموازنة و إبقاء الزائد؛ ـ كما ذهب إليه طائفة من المتكلّمين ـ لا بمعنى الإحباط المتأخّر للمتقدّم كيف كان، لما يلزم من الظلم. و على ما من الموازنة يكون قد وفى جميع أموره لأنّ الزائد قد بقي له و الساقط بموازنته قد وفاه أيضاً. إذ لو لم‌ينتفع به إسقاط الذنوب، لبقيت عليه تبعاتها، فهو قد رأى خير ما عمل و شرّ ما عمل.** (۳: ج ۱، ص ۳۱۸ ـ ۳۱۹)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.9.5]

وی در جایی دیگر به‌شدّت، از سخن بیضاوی در مورد حضرت مریم علیها السلام انتقاد می‌کند:

«فتمثّل لها بشراً سويّاً». (مريم (١٩) / ١٧) أتاها جبرئيل متمثّلاً بصورة شابّ أمرد سويّ الخلق لتستأنس بكلامه. و لعلّه لتهييج شهوتها فتنحدر نطفتها إلى رحمها. (١: ج ٢، ص ٢٨) **أقول: هذا كلام من قاس حال البتول مريم على بنات نفسه حتّى صدرت منه هذه الهفوة.** (٣: ج ٣، ص ١٩٥ ـ ١٩٦)

مرحوم جزایری گاه نتیجهٔ تدبّر خود را از آیه نیز به مخاطب، عرضه می‌کند. بنگرید:

«يَسْأَلُونَكَ مَا ذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَ مَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللهُ». (المائدة (٥) / ٤) أقول: من تدبّر في معنى هذه الآية، يظهر له سرّ غريب؛ و هو أنّ الله عزّ شأنه لم‌يرض للكلب إلّا بتعليم العلم الإلهيّ الذي أوحاه إلى أنبيائه، فكيف رضي الحكماء و الطبيعيّون أن يعلّموا الإنسان الذي هو أشرف المخلوقات العلم الذي اخترعوه بأوهامهم من غير وحي و لا تعلّم نبيّ و الإمام من أئمّة الدين؟ ما هذا إلّا إلحاد في الدين. (٣: ج ١، ص ٥٦٢)

وی در جایی دیگر نیز فیلسوفان و اقوال آنان را به چالش کشیده‌است. بنگرید:

«وَ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَ مَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلاً». (الإسراء (١٧) / ٨٥) و في كتاب الاحتجاج عن أبي عبدالله عليه السلام: الروح جسم رقيق قد ألبس قالباً كثيفاً. (٨: ص ٣٤٩) **أقول: و فيه دلالة على عدم تجرّد الروح. و قد رجّحناه في شرحنا على التهذيب و الاستبصار و أكثرنا من الدلائل عليه.** (٣: ج ٣، ص ١١٦)

سیّد جزایری همچنین در آیاتی که ناظر به مباحث کلامی و اعتقادی است، پس از نقل اقوال گوناگون ذیل آیه، قول مختار شیعه را بر اساس مدارک و شواهد متقن،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.9.5]

نقل و از آن دفاع می‌کند. یکی از این آیات، آیهٔ اکمال است. بنگرید:

«اليوم أكملت». روي: أنّه لمّا نزلت: «اليوم أكملت» فرح الصحابة و أظهروا السرور إلّا أكابرهم كأبي‌بكر الصدّيق و غيره، فإنّهم حزنوا و قالوا: ليس بعد الإكمال إلّا النقص و الزوال. و كان كما ظنّوا. فإنّه عليه السلام لم يعمر بعدها إلّا إحدى و ثمانين يوماً و لم‌يحصل في الشريعة بعدها زيادة و لا نقصان. قال العلماء: كان ذلك جار مجرى إخبار النبيّ عليه السلام عن قرب وفاته. و ذلك إخبار بالغيب، فيكون معجزاً. (۱۳: ج ۶، ص ۵۵) أقول: ما نقله هذا الفاضل عن حزن أبي‌بكر و أمثاله لا لما قاله، بل له وجه آخر لايخفى على اللّبيب.

«اليوم». بالطرق المستفيضة الصحيحة عن الباقر عليه السلام قال: كانت الفريضة تنزل بعد الفريضة...الأخرى، و كانت الولاية آخر الفرائض. فأنزل الله: «اليوم» ـ الآية. يقول الله: لاأنزل بعدها فريضة. (۱۱: ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۴)

أقول: أطبق أهل البيت عليهم السلام و علماء مذهبهم و جمهور مخالفيهم على نزول هذه الآية في حكاية غدير خمّ لمّا أمر الله نبيّه صلى الله عليه و آله أن ينصب أميرالمؤمنين عليه السلام علماً للناس و خليفة من بعده. و حكى السيّد ابن‌طاووس أنّهم ـ أي الجمهور ـ رووا حديث غدير خمّ و تفاصيله ممّا يقرب من خمسمائة طريق إلّا أنّهم طوّلوا عليه لسان التأويل.

«اليوم». فيه أقوال. أحدها: أكملت لكم فرائضكم و حلالي و حرامي، فلا زيادة و لا نقصان بالنسخ. و كان يوم عرفة عام حجّة الوداع. عن ابن‌عبّاس و جماعة. و مات بعد الآية بإحدي و ثمانين ليلة. و أمّا وصف الدين بالكمال، مع أنّه لا نقصان فيه أبداً، فهو أنّه كان قبل ذلك معرضاً للنسخ و الزيادة فيه و نزول الوحي بالتحريم و التحليل، فوصفه بالكمال من قبيل وصف العشرة بأنّها كاملة و إن كانت المائة أكمل منها. و ثانيها: أكملت لكم حجّكم و أفردتكم بالبلد الحرام تحجّونه دون المشركين. و اختاره

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.9.5]

الطبرسيّ لأنّ الله أنزل بعده: «يستفتونك» ـ الآية. قال الفرّاء، و هي آخر آية نزلت. و ثالثها: ما روي عن الإمامين أبي‌جعفر و أبي‌عبدالله عليهما السلام أنّها نزلت في غدير خمّ بعد منصرفه من حجّة الوداع لمّا نصّ على أميرالمؤمنين عليه السلام بالخلافة فقال: من كنت مولاه، فعليّ مولاه. (۸: ج ۳، ص ۲۴۵ ـ ۲۴۶؛ ۳: ج ۱، ص ۵۵۹ ـ ۵۶۰)

فهرست منابع

۱. بیضاوی، عبدالله‌بن عمربن محمّد. **أنوارالتنزیل**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲. جزایری، سیّد نعمت‌الله. **الأنوار النعمانیّة**. تصحیح و تحقیق: سیّد هادی بنی‌هاشمی و محمّدباقر کتابچی. تعلیقات: محمّدعلی قاضی طباطبایی. تهران: شرکت چاپ.

۳. ـــــــــ. **عقودالمرجان لحواشي القرآن**. تحقیق و تصحیح: مؤسّسهٔ شمس الضحی. (چاپ نشده)

۴. زمخشری، جارالله محمودبن عمر. **الکشّاف**. قم: ادب‌الحوزه.

۵. صدوق، محمّدبن علی‌بن موسی‌بن بابویه. **عیون أخبار الرضا** علیه السلام. بیروت: مؤسّسهٔ اعلمی.

۶. ـــــــــ. **معانی‌الأخبار**. تحقیق: علی‌اکبر غفّاری. قم: جامعهٔ مدرّسین.

۷. طبرسی، الفضل‌بن الحسن. **مجمع‌البیان**. بیروت: مؤسّسهٔ اعلمی.

۸. طبرسی، محمّدبن الحسن‌بن علیّ‌بن الحسن. **الاحتجاج**. تحقیق: حسن خرسان. مشهد: مطبعة سعید.

۹. طوسی، محمّدبن حسن. **التبیان في التفسیر القرآن**. ۱۰ ج، نجف: المطبعة العلمیة، ۱۳۷۶ق.

۱۰. قمی، عبّاس. **الکنی و الألقاب**. تقدیم: محمّدهادی امینی.

۱۱. کلینی، محمّدبن یعقوب‌بن إسحاق. **الکافي**. تحقیق: علی‌اکبر غفّاري تهران: دارالکتب الاسلامیّه.

۱۲. ـــــــــ. **مصباح‌الشریعة**. منسوب به امام صادق علیه السلام. بیروت: مؤسّسهٔ اعلمی.

۱۳. نیشابوری، حسن‌بن محمّدبن الحسین. **غرائب القرآن و رغائب الفرقان**. بیروت: دارالکتب العلمیّه.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.9.5]